



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۳/۲۴

سیف قاضي زاده

نظریه دو ملت: ریشه‌های تاریخی، پیامدهای سیاسی و ارتباط معاصر

چکیده

هدف این مقاله بررسی پیشینه تاریخی «نظریه دو ملت»، تحلیل ابعاد سیاسی، و ارزیابی اهمیت این نظریه در جهان معاصر است. این مکتب فکری که در هند تحت استعمار به وجود آمد، بر این دیدگاه استوار بود که هندوها و مسلمانان دو ملت جداگانه با تفاوت‌های بنیادی فرهنگی و مذهبی می‌باشند؛ دیدگاهی که زمینه‌ساز مطالبه ایجاد کشور پاکستان گردید.

این جست و جو با استفاده از روش‌های تاریخی، توصیفی و تحلیلی، بر اساس اسناد استعماری، سخنرانی‌ها و منابع مرتبط، به بررسی این نظریه پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این نظریه در بستر سیاست‌های استعماری، اصلاحات سیاسی، و بیداری سیاسی مسلمانان شکل گرفته و در نهایت به رویداد تقسیم هند 1947 انجامید.

همچنین این مطالعه نشان می‌دهد که از دهه ۱۹۹۰ به بعد، این نظریه تأثیر قابل توجهی بر روابط دوجانبه میان هند و پاکستان، و نیز بر وضعیت اجتماعی-سیاسی داخلی هر دو کشور داشته است. مقاله پیشنهاد می‌کند که برای کاهش تنش‌ها، باید بر تاریخ‌های مشترک، تساهل دینی، و حل اختلافات از طریق سیاست‌های سازنده تأکید گردد.

مقدمه

نظریه دو ملت یکی از مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین نظریه‌ها در تاریخ سیاسی جنوب آسیا به‌شمار می‌رود. این نظریه نقش اساسی در ساختار اجتماعی و سیاسی هند استعماری ایفا کرده و به‌طور مستقیم در شکل‌گیری تقسیم شبه قاره هند سال ۱۹۴۷ تأثیرگذار بوده است.

این نظریه بر این فرض استوار بود که: هندوها و مسلمانان دو ملت جداگانه‌اند این دو گروه از نظر فرهنگ، دین و ساختار اجتماعی تفاوت‌های عمیق دارند بر همین اساس، زمینه برای مطالبه تشکیل یک دولت مستقل اسلامی (بنام پاکستان) فراهم شد.

این ایدئولوژی در بستر عوامل مختلفی شکل گرفت، از جمله:

سیاست‌های استعماری بریتانیا

جنبش‌های اصلاح‌طلبانه بیداری سیاسی مسلمانان نظریه دو ملت توسط مورخان، دانشمندان علوم سیاسی و جامعه شناسان به‌طور گسترده مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. یکی از پرسش‌های اساسی در این زمینه این است که

چگونه این نظریه:

به پایان حکومت بریتانیا کمک کرد و در عین حال به تجزیه هند در ۱۹۴۷ انجامید. این نظریه بر این باور استوار است که:

هندوها و مسلمانان نمی‌توانند به‌صورت پایدار در یک نظام سیاسی مشترک زندگی کنند. ریشه‌های فکری نظریه ریشه‌های این نظریه را می‌توان در اندیشه‌های سید احمد خان جستجو کرد، که: بر آموزش و بیداری سیاسی مسلمانان تأکید داشت. مسلمانان را به‌عنوان یک «هویت سیاسی مستقل» معرفی کرد (*).

با تأسیس جنبش علی‌گروه، روند بیداری سیاسی مسلمانان آغاز شد و در نهایت به مطالبه ایجاد پاکستان انجامید. نقش سیاست‌های استعماری:

پژوهشگران نشان داده‌اند که سیاست‌های بریتانیا نقش مهمی در تقویت این نظریه داشتند، از جمله:

اصلاحات مورلی مینتو:

ایجاد حوزه‌های انتخاباتی جداگانه

تشویق نمایندگی بر اساس دین

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

این سیاست‌ها جامعه را بصورت مذهبی تقسیم کردند ، باعث افزایش بی اعتمادی میان گروه‌ها شدند و ادیان را در تقابل باهم قرار داد .

دیدگاه‌های موافق و مخالف

دیدگاه موافق:

برخی پژوهشگران معتقدند که: این نظریه برای دفاع از حقوق مسلمانان ضروری بود و نقش مهمی در ایجاد پاکستان ایفا کرد .

دیدگاه انتقادی:

منتقدان استدلال می‌کنند که: این نظریه پیچیدگی‌های فرهنگی و اجتماعی هند را نادیده گرفت و جامعه چندفرهنگی را به صورت مصنوعی تقسیم کرد .

نظریه دو ملت با تأکید بر جدایی هویتی مسلمانان و هندوها، زمینه ذهنی و سیاسی تقسیم را فراهم ساخت . این نظریه با تبدیل « تفاوت دینی» به «مرز سیاسی» ، موجب شد که:

همزیستی تاریخی به تقابل هویتی و دینی تبدیل شود

مهاجرت به یک «ضرورت اجباری» بدل گردد و خشونت های فرقه ای مشروعیت روانی پیدا کرد .

۱. مهاجرت‌های اجباری

حدود 14 تا 15 میلیون نفر جابه‌جا شدند

یکی از بزرگترین مهاجرت‌های اجباری قرن بیستم بود که ،

مسلمانان → به پاکستان و هندو ها و سیک ها به هندوستان اجباراً مهاجرت نمودند .

۲. تلفات انسانی

بین 800,000 تا 1,000,000 نفر کشته شدند

برخی برآوردها حتی تا 2 میلیون نفر را ذکر می‌کنند

۳. آوارگی و بی‌خانمانی

میلیون‌ها نفر خانه ، زمین ، و دارایی‌های خود را از دست دادند:

۴. خشونت‌های جنسیتی

حدود 75,000 زن ربوده یا مورد تجاوز و خشونت قرار گرفتند.

نظریه دو ملت مستقیماً عامل خشونت نبود ، اما:

سه تأثیر عمده اصلی داشت:

۱. مشروعیت‌بخشی به جدایی

مهاجرت را «طبیعی و ضروری» جلوه داد

۲. تشدید قطبی‌سازی هویتی

جامعه را به «ما» و «دیگری» تقسیم کرد

۳. کاهش پیچیدگی هویت‌ها

دین را جایگزین سایر عناصر هویت (زبان ، فرهنگ) ساخت

نظریه دو ملت با تبدیل دین به معیار اصلی ملت ، زمینه فکری مهاجرت‌های اجباری و خشونت‌های گسترده پس از 1947 را فراهم کرد ؛ اما تحقق این فجایع نتیجه ترکیب این ایدئولوژی دینی با فروپاشی نظم سیاسی ، ترس

جمعی و رقابت‌های قدرت بود.

یافته‌ها و مباحث :

۱. نظریه دو ملت به‌عنوان ابزار سیاسی

یافته‌ها نشان می‌دهد که:

این نظریه بیشتر یک «ابزار سیاسی» بود تا یک واقعیت اجتماعی مطلق که

توسط رهبران مسلمان برای بسیج سیاسی استفاده شد

۲. نقش جناح

رهبری محمد علی جناح باعث شد که:

این نظریه از یک ایده نظری به یک نیروی سیاسی تبدیل شود و در نهایت به ایجاد

پاکستان به انجامد

۳. پیامدهای تقسیم

تقسیم هند:
باعث ایجاد تنش‌های شدید میان هند و پاکستان شد و روابط دو کشور را تا امروز تحت تأثیر قرار داده است.

مثال:

مسئله کشمیر همچنان یک منازعه حل‌نشده باقی مانده است

۴. شکست نظریه در پاکستان شرقی

یکی از مهمترین یافته‌ها:

نظریه دو ملت نتوانست وحدت پایدار ایجاد کند

مثال، جدایی بنگلادش در سال 1971

دلایل:

تفاوت‌های زبانی (در مقایسه اردو با بنگالی)

نابرابری اقتصادی و حاشیه نشینی سیاسی

این نشان می‌دهد که:

دین به‌تنهایی برای ملت‌سازی کافی نیست

۴. چالش‌های داخلی پاکستان

تنوع قومی (پنجابی، بلوچ، پشتون، سندھی)

تمرکز قدرت در دست یک گروه خاص و

نابرابری‌های منطقه‌ای. (**)

نظریه دو ملت محصول شرایط خاص و نقش کلیدی در سیاست استعماری ایجاد پاکستان داشت اما نتوانست به‌طور کامل پاسخگوی تنوع داخلی باشد و چالش‌های هویتی و سیاسی را حل کند. برای کاهش پیامدهای این نظریه لازم بود که:

۱. حکمرانی فراگیر

۲. گفتگوی بین ادیان

۳. اصلاح نظام آموزشی

۴. تقویت همکاری‌های منطقه‌ای

نظریه دو ملت:

هم یک ابزار سیاسی مؤثر بود و منبع از ... چالش‌های پایدار بشمار میرود و نیز نشان می‌دهد که:

«ملت‌سازی موفق نیازمند ترکیب هویت، عدالت، و پذیرش تنوع است.»

☆☆☆☆☆☆☆☆

تحلیل نظریه دو ملت در پرتو مطالعات

بین‌المللی:

نظریه دو ملت به‌عنوان یکی از مهمترین مفاهیم در تاریخ سیاسی جنوب آسیا، توجه گسترده پژوهشگران در حوزه‌های تاریخ، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل را به خود جلب کرده است. این نظریه نه تنها به‌عنوان مبنای فکری ایجاد کشور پاکستان مطرح بوده، بلکه به‌عنوان یک نمونه برجسته از «ملت‌سازی مبتنی بر دین» در ادبیات علمی جهانی نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

مرور ادبیات نشان می‌دهد که پژوهش‌ها در این زمینه عمدتاً در چهار رویکرد اصلی قابل دسته‌بندی هستند:

۱. رویکرد تاریخی

۲. رویکرد هویتی-سازه‌انگاره

۳. رویکرد جیوپولیتیکی

۴. رویکرد انتقادی

۱. رویکرد تاریخی (Historical Approach)

مطالعات تاریخی تمرکز خود را بر بررسی زمینه‌های شکل‌گیری نظریه دو ملت در دوره استعمار بریتانیا قرار داده‌اند.

الف : نقش استعمار

عایشه جلال در اثر مهم خود **The Sole Spokesman** استدلال می‌کند که: نظریه دو ملت بیش از آنکه یک ضرورت اجتماعی باشد، یک ابزار سیاسی برای چانه‌زنی قدرت توسط محمد علی جناح بوده است بر اساس این دیدگاه:

پاکستان نه به‌عنوان هدف اولیه

بلکه به‌عنوان «نتیجه ناخواسته مذاکرات سیاسی» شکل گرفت

ب : ریشه‌های فکری

باربارا متکالف و توماس متکالف در آثار خود نشان می‌دهند که:

اصلاح‌طلبان مسلمان مانند سید احمد خان

نقش مهمی در شکل‌گیری آگاهی سیاسی مسلمانان داشتند.

این رویکرد نشان می‌دهد که نظریه دو ملت محصول شرایط خاص تاریخی

و واکنش به سیاست‌های استعماری بریتانیا بوده است

۲. رویکرد هویتی-سازهانگاران (Constructivist Approach)

این رویکرد بر نقش هویت و گفتمان در شکل‌گیری ملت‌ها تأکید دارد.

الف : نظریه جوامع خیالی

بندیکت اندرسن در کتاب **Imagined Communities** بیان می‌کند:

ملت‌ها برساخته‌های اجتماعی هستند که از طریق گفتمان، رسانه و سیاست ایجاد می‌شوند

کاربرد در نظریه دو ملت:

هویت «مسلمان» به‌عنوان یک هویت سیاسی بازتعریف شد و برای ایجاد تمایز

با هند

ب : ملی‌گرایی و هویت

پارتا چترجی در اثر **The Nation and Its Fragments** استدلال می‌کند که:

ملی‌گرایی در جوامع استعمارزده ترکیبی

از عناصر بومی و استعماری است

نتیجه اینکه، نظریه دو ملت:

نه کاملاً بومی و نه کاملاً تحمیلی بلکه هو

بلکه یک «هویت ترکیبی» است

3. رویکرد جیوپولیتیکی (Geopolitical Approach)

این رویکرد به پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی نظریه می‌پردازد.

الف : رقابت منطقه‌ای

ایان تالبوت در کتاب **Pakistan : A Modern History** نشان می‌دهد که:

نظریه دو ملت به رقابت پایدار میان پاکستان و هند انجامیده است

ب : امنیت و هویت

در چارچوب امنیتی هویت دینی به‌عنوان:

ابزار مشروعیت‌بخشی دولت بکار برده شده است .

و همچنین منحصراً عامل تقابل منطقه‌ای عمل کرده است.

4. رویکرد انتقادی (Critical Approach)

این رویکرد به بررسی ناکامی‌ها و تناقضات نظریه دو ملت می‌پردازد.

الف : شکست در وحدت ملی

مطالعات نشان می‌دهد که این نظریه نتوانست وحدت پایدار ایجاد کند . مثال:

جدایی بنگلادش در سال 1971

ب : نقد از دیدگاه پسااستعماری

پارتا چترجی و دیگر نظریه‌پردازان پسا استعماری معتقدند:

نظریه دو ملت تا حدی بازتاب سیاست‌های «تفرقه بینداز و حکومت کن» بریتانیا بوده است .

ج : دین و ملت‌سازی

پژوهشگران معاصر مانند:
محمد قاسم زمان (Muhammad Qasim Zaman)

استدلال می‌کنند که دین به تنهایی
نمی‌تواند پایه‌ی کافی برای ملت‌سازی باشد
بلکه نیازمند نهادهای سیاسی، عدالت و توسعه است
5. شکاف‌های پژوهشی (Research Gaps)

- مرور بر ادبیات نشان می‌دهد که هنوز خلأهایی وجود دارد:
- ۱ - کمبود تحلیل تلفیقی (تاریخی + جیوپولیتیکی + هویتی)
 - ۲ - تمرکز بیش از حد بر دوره قبل از 1947
 - ۳ - عدم توجه کافی به پیامدهای معاصر

دیدگاه نظری
ادبیات موجود نشان می‌دهد که نظریه دو ملت از دیدگاه تاریخی، محصول استعمار
و رقابت سیاسی است.
از دیدگاه سازه‌انگاران: یک برجسپ و ساخت هویتی میباشد.
از دیدگاه جیوپولیتیکی، عامل تنش منطقه‌ای است.
از دیدگاه انتقادی، دارای محدودیت‌های جدی در ملت‌سازی میباشد.

(*):

Indian (مصلح برجسته مسلمانان هند بود که پس از Sir Syed Ahmad Khan (۱۸۱۷-۱۸۹۸) Aligarh Movement و نهاد آموزشی علی‌گره، به نوسازی فکری و آموزشی مسلمانان پرداخت. او با تأکید بر تمایزات دینی و فرهنگی میان مسلمانان و هندوها، از نخستین مطرح‌کنندگان ایده جدایی هویتی بود که بعدها در قالب نظریه «دو ملت» توسط Muhammad Ali Jinnah پیگیری شد.

(**):

پاکستان (۱۹۴۷) محصول ترکیب سرزمین‌های هند بریتانوی و برخی مناطق پشتون‌نشین با پیوند تاریخی به افغانستان است. هم‌زمان، خط دیورند (۱۸۹۳) به‌عنوان مرزی تحمیلی، در شرایط نابرابر قدرت و تحت فشار بریتانیا بر افغانستان تحمیل شد. در نتیجه، شکل‌گیری پاکستان و تثبیت این مرز، بیش از آن‌که ناشی از روند طبیعی تاریخی باشد، بازتابی از مداخلات جیوپولیتیکی و فشار قدرت‌های استعماری است.

منابع

Anderson, B. (1983). Imagined Communities. Verso.

Jalal, A. (1995). The Sole Spokesman. Cambridge University Press.

Talbot, I. (2009). Pakistan: A Modern History. Hurst.

Metcalf, B. & Metcalf, T. (2006). A Concise History of Modern India. Cambridge.

Chatterjee, P. (1993). The Nation and Its Fragments. Princeton University Press.

Zaman, M. Q. (2018). Islam in Pakistan's Political Identity. Cambridge.

پ - شایا، مجله علوم اجتماعی پاکستان، مارچ - 2025، جلد 9، مقاله شماره 61

د پانو شمېره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: د لیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ